

ترقیمه واژه‌ای است بر ساخته از بُن مایه رقم تازی که پارسی دانان یا پارسی گویان شبیه قاره هندوستان، که به نادرست به پاک و هندوی انگلیسیها تبدیل شده است. از سده دهم هجری تا اشغال انگلیسیها، پارسی گویان و پارسی دانان "هندرسید" زبان فارسی را به حیث زبان علمی و اندیشگی شبیه قاره پذیرفتند و در گونه‌های نثر و نظم آن زبان تاملاتی بسیار از روی ذوق و شناخت به عمل آوردند که تو استند گونه پارسی هندی را هم در حوزه نظم و هم در قلمرو نشر و وجود آرند. اهالی این گونه زبان فارسی در بررسی نسخه‌های خطی، به حق مالکیت کاتب معطوف شدند و "خاتمه کاتب" را "ترقیمه" نامیدند.

ساخت واژه مذکور تازی نیست بلکه فارسی است و مانند اینوی از واژه‌های بر ساخته فارسی زبانان که بر پایه بُن مایه‌های تازی، واژه‌هایی با ساختار فارسی، در تمامی روزگاران پیشین و پسین وضع کرده‌اند. بُن مایه این واژه - رقم - از دیر باز در زبان تازی به معنای نشانه است و آنچه رقم می‌شود، یعنی مشخص می‌گردد. تازیان وقتی "رقمت الشیء" می‌گویند، یعنی آن چیز (شیء) را به نشانه‌ای ممیزه، برای تمیز دادن آن از دیگری - که مانند آن باشد یا غیر آن - آراسته‌اند. در کتابت نیز به دلیل آنکه رقم نشانه ممیزه‌ای بوده است که حق تملک کاتب را مشخص می‌کرده پذیرفته نسخه‌نویسان و خوشنویسان بوده است.

پیشته و قدمت رقم، بی‌گمان با قدمت استحقاق ابراز حق مالکیت از سوی کاتب بوده است. در حوزه نسخه‌نویسی تمدن منطقه ما این استحقاق تا حد مرسم و متعارف پذیرفته بوده و نسخ خطی از دیر باز دارای "رقم"

۱. قیومی، مصباح المیبر (قم: دارالهجرة، ۵، ۱۴۳۳/۱۴)، ذیل واژه الرقم.

فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه‌شناسی (ترقیمه فارسی)

نجیب مایل هروی*

چکیده: ترقیمه یا (Colophon) نسخه‌های خطی از جمله عناصر مهم در نسخه‌شناسی است که نسخه‌شناسی را به متن شناسی پیوند می‌زند. کتابان فارسی زبان از دیر باز بنا بر زبان فکری خویش، ترقیمه نسخه‌های مکتوب شان را - که به زبان پارسی بوده - با ترقیمه پارسی به پایان می‌برده‌اند. اما این ادب نسخه‌نویسی فارسی رفته‌رفته دگرگون شده و به ترقیمه‌های عربی و عربی آمیز تبدیل شد. بر پایه چنین نظری، ترقیمه پارسی نسخه‌فلورانس از «شاہنامه»، مورد تأمل قرار گرفت و اصلت آن از طریق نسخه‌شناسی - که بعضی از معاصران آن را محل تردید دانسته‌اند - یادآوری شده است.

کلید واژه: ترقیمه؛ انجامه.

* محقق و نویسنده.

کاتب) توجه کرد. از این روی، اگر چه "ترقیمه" واژه‌ای است متأخر و مستحدث، اما ذهنیتی که در شبه قاره هند آن را بر پایه "ترقیم" عربی، پارسی کرده و اصطلاحی نسخه‌شناسانه ارائه داده، از آگاهی دقیق نسخه‌شناسی/ متن‌شناسی برخوردار بوده است.

نگارنده در جست و جویی که چند سال قبل درباره "ترقیمه" کرده، به اهمیت تاریخی، فرهنگی و زبانی ترقیمه‌ها توجه داده است، آنچه در این گفتار، می‌افتد که به بحث و بررسی آن اشاره شود، ترقیمه پارسی است. باید دانست که ترقیمه‌های بلند و کوتاه، متضمن نکته‌هایی است که در نگاه نخست، برای شناخت نسخه‌ها کارآیی دارد. اینکه "متن" در چه مکان و در چه زمان، جز مکان و زمان نویسته متن کتابت شده است. اینکه دقت نسخه‌نویس چه وزن و بهای داشته است. اینکه در حوزه کدام جریان فرهنگی / سیاسی به کتابت متن پرداخته است و ... این همه از ترقیمه نسخه‌نویس به حاصل می‌آید. هم اینکه ترقیمه نسخه‌نویس متن فارسی صرفًا عربی است یا عربی و فارسی. و اینکه ترقیمه نسخه‌نویس متن عربی گاه واژه‌ها و مصraigاهای فارسی دارد، از نکته‌های در خور تأمل در نسخه‌شناسی تواند بود. زیرا وقتی نسخه‌نویس به ابراز حق تملک می‌رسیده، بی‌گمان با ذهنیت و پیزه خود می‌اندیشیده و ترقیمه را بر اساس ساختارهای ذهنی و زبانی خود می‌پرداخته است.

گویا نسخه‌نویسان پیش از سده ۸۰ هجری کمتر به عبارتهای کلیشه‌ای در ترقیمه‌های خویش می‌پرداخته‌اند. بی‌گمان ترقیمه نویسی در کاتونهای نسخه‌نویسی رسمی (دیوانی) و صنفی (تجاری) متضمن عباراتی بوده است از پیش ساخته و آماده، که پاره‌ای از کلمه‌های آن از کاتبی به کاتب دیگر و از نسخه‌ای به نسخه‌ای دیگر دگرگون می‌شده است. اما ترقیمه‌های نسخه‌نویسان صاحب سبک در خط و کتابت نشان از آن دارد که ترقیمه‌های نسخه‌های مکتوب آنان، خود به حیث نشانه و شناسه شناخت کار آنان می‌تواند تلقی شود. به هر حال، از آنجاکه در همه ادوار، نسخه‌های لحاظ اعتبار اقتصادی مورد نظر بعضی از نسخه‌نویسان، و راقان و نسخه‌فروشان بوده، همچنان که کتابت مزوّر رونق داشته، ترقیمه‌های مزوّر نیز فراهم می‌شده است. کم نیست نسخه‌هایی که بر پایه ترقیمه‌های جعلی آنها،

بوده است. نظر اجمالی به الفهرست این ندیم نشان می‌دهد که قدیم ترین نسخه‌های خطی منطقه ما "رقم" داشته است. در نگارش‌هایی چون ادب الاملاه سمعانی؛ تذکره ابن جماعه؛ صبح الاعشی قلقشندی از "مفتوح" و "خواتیم" کتب یاد شده است. در زبان فارسی نیز واژه "رقم" احتمالاً در نزد کتاب‌شناسان و نسخه‌نویسان به جای "ترقیمه" استعمال داشته است اما از نیمة دوم سده نهم که رقعه‌نویسی (قطعه‌نویسی) و مرقع سازی پسندیده‌تر افتاد و نسخه‌نویسان به خوشنویسی زیبایی شناسانه روی آوردن و قطعه‌نویسی مکات و خوشنویس قطعه‌نویس مکان اجتماعی و اداری و اقتصادی به دست آوردن، خوشنویس از "خویش" به عنوان "رقم" یاد می‌کرد و در پایان قطعه خط خوش خود، مثلاً، می‌نوشت: "واقمه...؛ واژه رقم" در همان حوزه خوشنویسی و رقعه‌نویسی زبان گیرشد و اگرچه بعضی از شاعران و ناظمان از "نسخه بی‌رقم" یا "کتاب بی‌رقم" یاد کردند اما کم توجه بودن متأخران و معاصران هم به جزئیات و اهمیت مضبوط در ترقیمه‌های نسخه‌های خطی دلالت بر آن دارد که واژه "رقم" بار معنای "ترقیمه" را در قلمرو شناخت نسخه‌های خطی بر نمی‌تابد. ترقیمه نه تنها در نسخه‌شناسی صرف، کارآمیز نماید، بلکه در حوزه متن‌شناسی و نیز در ساحة تاریخ ذوق و فکر و فرهنگ و حتی جغرافیای تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی حائز اهمیت فراوان است. در روزگار معاصر، به هیچ گونه، تاملی فراگیر و نظاممند بر ترقیمه‌های نسخه‌های خطی نشده است و بیشتر فهرست‌نگاران، انتخابی فشرده از محتویات ترقیمه را به حیث پایان نسخه توصیف کرده خود در فهرست هایشان گنجانده‌اند. سپس بعضی از مترجمان، به جای آن ("رقم")، واژه "آنجمامه" را صرفًا به لحاظ فارسی بودن آن در ترجمه Colophon پذیرفته‌اند. این معادل یابی غیر علمی، سبب شد تا علیه‌ای، در نسخه‌شناسی از "آنجمامه متن" و "آنجمامه کاتب" سخن به میان آرنده‌ی آنکه توجه کنند که در مورد کاتب هم نمی‌توان با توجه به معنای لغوی "آنجمامه" از آنجمامه عبارت او سخن گفت. ضرورت‌های نسخه‌شناسی اتفاقاً دارد که امروزه در فهرست‌نگاری فهرست‌های توصیفی نسخ خطی، همه عبارات آنجمامه کاتب بازنویسی و نقل شود و یا اصل ترقیمه به صورت عکسی در فهرست‌های مذکور عرضه شود.

با این همه نگارنده بر این باور است که در توصیف کتاب شناسانه نسخه‌های خطی، می‌باید به "آنجمامه متن"، و در توصیف نسخه‌شناسانه آنها به "ترقیمه" (نه به آنجمامه

اعتقاد رایج اهتمام می‌کرده است.
نگارنده، این گونه از ترقیمه‌های نسخ خطی فارسی را «ترقیمه پارسی» می‌نامد و به چند نمونه کهن آن، که پیش از ۷۰۰ هجری کتاب شده‌اند، توجه می‌دهد:
از جمله نسخه‌های کهن فارسی، ترجمان البلاغة محمد رادویانی (سده ۵ ق) است که در ۵۰۷ ق، به دست اردشیر بن دیلمپار نجمی - شاعری پارسی زبان که مسبب تألیف نفت فُس اسدی طوسی هم بوده - کتاب شده. ترقیمه نجمی، یکی از ترقیمه‌های کهن موجود محسوب است که می‌توان بر پایه آن، ساخت نسخه‌شناسی و متن‌شناسی نسخه مکتوب کاتب را بدرستی دریافت، متن ترقیمه را ملاحظه کنید:
اسپری شد این کتاب بیروزی و به روزی
و نیک اختیاری و فرخی بر دست^۴ ابوالبهجا
اردشیر بن دیلمپار النجمی القطبی الشاعر،
اندر اواخر شهر الله المبارک رمضان، سال
بر پانصد و هفت از هجرت پیغمبر محمد المصطفی
علیه و سلم مبارک باد بر خداوندش.

کهن نموده شده‌اند اما هر چند کم است نسخه‌هایی که بر پایه ترقیمه‌های مجمعول شان، جدید یا جدیدتر شناسایی شده‌اند، با این همه این گونه نسخه‌ها هم می‌تواند وجود داشته باشد. گونه کهن خط نسخ، شناسه‌های آرایه‌های کهن با رنگهای گیاهی همچون رنگ ریشه زعفران و... کهن بودن این دست از نسخه‌های دست تثبیت می‌کنند. از این روی، اگر در نسخه‌ای، ترقیمه آن اندکی مخدوش بشاید، می‌توان از طریق شناسه‌های آواشناسی تاریخی زبان، خط شناسی تاریخی، نسخه‌آرایی تاریخی و دیگر نشانه‌ها و امارات به تعیین احالت نسخه‌ها و تبیین خدشه‌پذیر شدن ترقیمه‌هایشان اهتمام کرد.

نسخه‌ای از نامه گران‌سنگ حکیم فردوسی که به نسخه فلورانس (ایتالیا) مشهور است و متن‌من بخش نخست از شاهنامه است، از همه شناسه‌های کهن کتاب پردازی و نسخه‌آرایی برخوردار است. این نسخه را آقای دکتر جلال خالقی مطلق به درستی دریافته و آن را اساس مشروع و منطقی تصحیح شاهنامه قرارداده است. با این همه، پس از نشر عکسی آن نسخه در تهران (۱۳۶۹خ)، بعضی از معاصران را بر آن داشت تا در احالت نسخه تردید کنند. بعضی هم آن را با ذلایل نقد تاریخی و ادبی تأیید کردند، اما تا آنجا که نگارنده به اشاره‌ها و دلیلهای آنان توجه کرد، یک نکته بسیار چشمگیر را در میان دلیلهای اشاره‌های آنان نیافت و آن ترقیمه آنست که معطوف به سنت ترقیمه نویسی در میان کتابان پارسی زبان پیش از ۷۰۰ هجری می‌باشد.

اسناد و اشارات کهن تازی در حوزه نسخه پردازی حاکی از آنست که در نخستین سده‌های هجری، نسخه پردازان منطقه با نسخه‌هایی از آثار ایران و یونان آشنا شده‌اند. این سرچشمه‌های نسخه پردازی در ایران بی‌تر دید سنت ترقیمه نویسی کهن و دیرین را در ذهنیت تاریخی / فرهنگی فارسی زبان زنده نگاه می‌داشته است به طوری که کاتب فارسی زبان که نسخه‌های آثار پارسی را استنساخ می‌کرده، به کلیات آن سنت توجه داشته و ترقیمه آن را با از کان و ساخت زبان فارسی یعنی زبان تفکرش می‌پرداخته و در پایان ترقیمه نیز به سلم و صلووات رسمی و معمول در قلمرو

منهدمان و از جوز طهمی بودی از من که شده را زین
ز مسیحیز غائیح طاصه جوان حبیتیو ایه رضاع
بیهوز نامنده و باوار ایه ملشکه دی بیهوز نامنده اکر
جیهه می میخوتون ند استندی تاردم نامنکو زیمانه
از مال السعر و حلم
اسیده میغایار کاد بیهوز دی
و بیهوز و نیک احتی و فرخ
بیهوز ایه ایه ایه سیز بر
دیلمپیا ز ایه الفطیتس ایه
اندرا ایه ایه لیه الله المبارک
دیلخانیل ایه ایه و هفت ایه
بیهع ایه بیهع المظفیم الاد عله
و سله

برخه او نیش



مهدک باد

برگ آخر از نسخه «ترجمان البلاغة» محمد رادویانی، سده ۵ ق.
به خط اردشیر بن دیلمپار نجمی، به تاریخ ۵۰۷ ق.

۲. دست بازیر (کسر) دال، تلفظی است گونه‌ای، که هنوز در برخی از گونه‌های فارسی دری، مانند گونه‌های فارسی کابل، کاربرد دارد.

ادب ترقیمه نویسی به پارسی، بی‌گمان در میان نخستین نسخه‌نویسان نسخه‌های خطی فارسی مدار اعتبار بوده است، اما از آنجا که روحیه مدررسی در قلمرو اختتام کارها بر ادعیه و مأثورات عربی قرار گرفته، نسخه‌نویسان فارسی زبان نیز اختتام کتابت نسخه‌شان را با عبارت (یا عبارات) و دعای عربی نشان می‌دادند. با وجود این، نوشتن ترقیمه پارسی همچنان ادامه یافت با همان ساختارهای زبانی ترقیمه نجمی شاعر، که نمونه‌های کوتاه‌تر و ناقص تر آن را در نسخه‌ای از عمل و الالقاب ابن ایوب طبری - که حدوداً پنجه و یک سال پس از نسخه ترجمان البلاغة رادویانی کتابت شده است - می‌بینیم.^۳

ترقبیمه بهره نخست از شاهنامه (نسخه فلورانس) نیز واژه‌ها و ساختاری دارد که مانندگی آن با ترقیمه اردشیر نجمی شاعر، خود بر قدمت و نیز بر صحت و درستی آن دلالت دارد. متن موجود ترقیمه نسخه فلورانس از شاهنامه با آنکه در پاره‌ای از کلمه‌ها محبوه و در عکسی که از آن منتشر کرده‌اند، نونویس شده است اما می‌توان آن را مورد تأمل و دقت بیشتر قرار داد. به متن ترقیمه موربد بحث توجه کنید:

[تمام شد مجلد اول] از شاهنامه مه پیروزی و خرمی روز سسط [به] سیم ماه مبارک
محرم سال شصده و چهارده بحمد الله تعالى و حسن توفیقه او صلی الله على خيرا
خلقه محمد و آله الطاهرين الطيبين]
واژه‌هایی که در ضبط مذکور بین چنگک / [آمدۀ] نونویس می‌نماید. بی‌گمان کاتب بر اساس علاقه‌ای که به کتابت شاهنامه و نوشتن ترقیمه پارسی داشته، ممکن است واژه «مجلد» را خود ننوشته باشد و ضبط «تمام شد» و نیز جمله دعایی «صلعم را به گونه‌ای دیگر و با استفاده از الفاظی دیگر کتابت کرده باشد اما «پیروزی و خرمی روز سه شنبه سیم ماه مبارک محرم سال شصده و چهارده» به هیچ روی محدودش نمی‌نماید بلکه به تهایی می‌تواند صحّت و اصالت نسخه مذکور را ضمانت کند هر چند نشانه‌هایی بسیار از نسخه‌شناسی در سرتاسر نسخه مزبور مشهود است که هر یک از آنها بر اصالت نسخه دلالت می‌کنند.

در ترقیمه مذکور به یک نکته اشارت نرفته است و آن مکان کتابت است. گویا کاتب، شاعر سفر کرده (یا بسیار سفر) نبوده، و شاید در سنت ترقیمه نویسی پارسی به این نکته توجه نمی‌شده است یا ضرورت آن را کاتبان پارسی زبان حس نمی‌کرده‌اند، با این همه، ترقیمه پارسی مذکور بسیار صمیمانه است. هم‌نام کاتب را نشان می‌دهد هم نشاط و علاقه اورابه کارش می‌نمایاند. هم تاریخ کتابت را در بردارد و هم پایگاه علمی کاتب و آشنایی او را با موضوع کتاب. علاوه بر اینها عبارت «مبارک باد بر خداوندش» مملو از رواداری و روحیه فرهنگی کاتب است. به رغم بسیاری از ترقیمه‌های تازی بر آثار پارسی، که گاه عبارات و ایاتی را در بردارند متضمن نکته‌هایی که نسخه مکتوب با نسخه مأخوذه مقابله شده و عرضه گردیده و...؛ در حالی که بررسی تطبیقی نسخه مکتوب محقق می‌دارد که «چنان» نشده و «چنین» نیز نگردیده است.

۱. مازه همراه چون ملک ساخت هلا سلطان و بیار همش اکر
راست فایم موده ام اخیط هم اسلف ام درسته کشیده باشد
و ترمه لفیه با هخطلات و کروکان نیاشد هر کلان زخم بخط
و تل زن نکن کنم سوی راست و سمت بخطه اسلفت و ای
کر عالم اخراجی بروح سوی راست جو مساوی تد که ایام
دست باشد هر یاری نفع بروح و بینم فریاد خوارا
بزند و سط سماونکه کنم برا بروی ام اسرطان و تل افزه هست
و اصرار بخطه مثرو و ام بیزان بخطه غیره زمام ام
اقاون بروح درست باشد در من حفظیه مثرو و معزز
نه کطیم اکیام ام هر روز نفاعه داره لا فویه لجه و بیزان
اخطه راست بود دیر سی اجزای بروح مشطفه بنیم اجر ای
بلای برو افق شرق و نکن کنم برا برو افق غربه اکر نظر برا جزو
بر لازم بروند اجزای آن روح درست بشد و کننه خطوا ایکا
پیش در من عزیز و عالم شذای کار خیست که و مبارک
و زی شنبه هر لذت و اصوات رساله من هم از بیرون عالم

برگ آخر از نسخه «شش فصل» به تاریخ ۵۵۸ ق.ق.
کتابخانه دولتی باریوش آستان، شماره ۲۲۸۶.

^۳. ر. ش: شش فصل، محمد بن ایوب طبری، تصحیح محمد امین ریاحی (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱)، تهران، ص ۲۳۰.

مانند ترقیمه نسخه منطق الطیر عطار نیشابوری که پس از "حمد و سپاس" با این ابیات صورت یافته است:

حق تعالی از مدد در هاگشاد
اتفاق ختم این نسخه فتاد
شد به دست خرسو این نسخه تمام
روز بیست و پنجم از ماه صیام
خرس و گوینده آن فخر دین
خدم بیچاره بی کبر و کین
سال اندر هفت و بیست و هفت
بود چون این دولتم آمد به صد
گفت عطار از همه مردان سخن
گر تو مردی هم به خیرش یاد کن
جان او از نور حق آسوده باد
نام او در آسمان بستوده باد^۴

سخن پایانی اینکه ترقیمه های پارسی به لحاظ نسخه شناسی که متن شناسی را نیز در بی داشته باشد، سزاوار بررسی تاریخی است؛ زیرا این ترقیمه ها در بسیاری از موارد، اصالت نسخه هارانشان می دهند هر چند ممکن است اصالت نسخه به اصالت متن نینجامد.

از آن جمله است سرفصل های کتبیه ای، که با خط کوفی بنایی کتابت شده، آن هم با زیبایی تمام، تردید در مورد کتبیه های نسخه مذکور با توجه به آرایه هایی که با خط بنایی آمیخته است، به هیچ روی درست نمی نماید. این کتبیه ها به کتبیه های سر سوره های نسخه کهن قرآن - که در قلمرو ایران نسخه پردازی شده است - شبیه و مانندگی دارد و مجموعه آنها (با آن تعداد از آنها که خوانا و روشن مانده است) در خورند تأمل و مطالعه جدی است. آنچه مهم می نماید، اینکه می بایست نسخه مذکور با دقیقی بیشتر عکس برداری شود و نسخه برگردانی همانند نسخه موجود در فلورانس، در دسترس نسخه شناسان و شاهنامه شناسان قرار گیرد.

نگارش ترقیمه پارسی، بی گمان تا حوالی ۷۰۰ق و شاید اندکی پس از آن نیز، ادامه داشته است. در میان نسخه های خطی فارسی - به ویژه نسخ آثار ادبی فارسی، خصوصاً آثار منظوم آن - نسخه هایی داریم که ترقیمه پارسی منظوم دارند، به طوری که کتاب ناظم ابیاتی را که متنضم موضع ترقیمه بوده، به عنوان "خاتمه کتاب (نسخه)" آورده است.

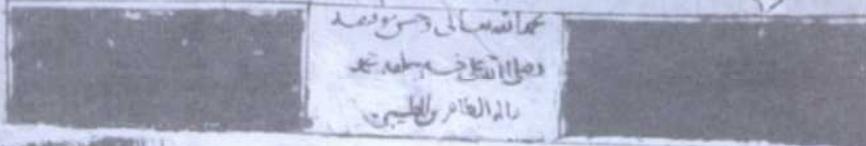


^۴. منطق الطیر، عطار نیشابوری، به اهتمام دکتر احمد رنجبر (تهران، اساطیر، ۱۳۶۹)، ص ۵۴۹.

تبارع او آزادی همیش	سرای سخت پادشاه	کلدد هنر امیر سار
خواسته شده بای	حاج زمان دان عماره بس	ابنی امیر سار خانه بکر
دناه دنیا مرحبا	حرزو زاده ذکار حمان	چیرخ تکار جان حمان
بینه باروز کطایه گن	دل نماینده سوریک	ندل نلک نویزی ایلک نیک
کورونه که هر دنیا ماند	بر دلند و طاذه آرد برو	جوپری در اند نهاده همد
کلپان راحون خدمت	کداهه او روح کما	کلاکه قریس دهلا ایلان
پیخار چون فاراد شود	کلاکه سر بر و بالا رست	چوره هر دنده دکد دکلیز



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



طَالِعُ الدُّرْلَمْجَانِي

سَلَامُكَمْبِرْ لِلْحَاجِ لِلْعَمَرِ
اللَّهُ لِعَالَمِكَمْبِرْ لِلْعَمَرِ
سَلَامُكَمْبِرْ سَارَ مُحَمَّد
لِلْعَالَمِ الْجَاهِ لِلْعَمَرِ الْجَاهِ
لِلْمُكَمْبِرِ لِلْعَمَرِ لِلْعَصَمِيَّةِ
أَوْلَى الْمُكَمْبِرِ لِلْعَمَرِ الْعَمَرِ
أَوْلَى الْمُكَمْبِرِ لِلْعَمَرِ الْعَمَرِ
كَمْبِرْ مُحَمَّد الْكَمْبِرْ - لِلْعَمَرِ وَكَمْبِرْ مُهَمَّد
وَلِلْعَصَمِيَّةِ وَلِلْعَصَمِيَّةِ وَلِلْعَصَمِيَّةِ

برگ آخر از نسخه «شاهنامه». به تاریخ ۱۴۶۱ق.
کتابخانه ملی فلورانس. شماره ۲۴-۱۱۱. Cl.